

بسم الله الرحمن الرحيم

آزادی در انتخاب دین از دیدگاه آیه الله جوادی آملی (دامت برکاته)

فاطمه مهدی نژاد^۱

ایران شفیعی^۲

چکیده

آزادی و انتخاب آزاد حق مسلم و طبیعی هر انسانی است و خداوند بشر را آزاد خلق کرده و او را در انتخابش آزاد گذاشته است. انسان در سایه آزادی و اختیار، قابلیت رشد و تربیت را پیدا می کند و می تواند با انتخاب های صحیح خود، به کمال و سعادت برسد. آزادی موهبتی الهی است که بر اساس حکمت خدای حکیم در تمام افراد نوع بشر قرار داده شده است و هیچ کس جز خود خدای خالق، حق محدود و محصور کردن آن را ندارد. از همین رو است که خدای متعال انسان را در انتخاب عقیده و دین آزاد گذاشته و دینی را که با اجبار و اکراه انتخاب شود، قبول ندارد. اسلام نیز به عنوان یکی از ادیان الهی، انسان ها را در انتخاب دین آزاد گذاشته است و حتی به پیامبران اجازه دخالت در حریم اشخاص را نمی دهد تا افراد را مجبور به پذیرش دین خاصی کند. اسلام از مسلمانان خواسته است تا با تفکر و تأمل و قدرت عقل و اختیار خویش، حقانیت دین و آموزه های آن را بیابند و آن را انتخاب کنند. از طرفی نیز اسلام با شک کردن و یا از بین بردن عقیده صحیح و سالمی که فرد انتخاب کرده است، به شدت مخالفت می کند و در مواقعی هم که انسان ها بخواهند، نظم و تقدس دین را خدشه دار کنند، با آن ها برخورد خواهد کرد.

واژگان کلیدی: آزادی، اسلام، انتخاب، دین

^۱. سطح ۲، حوزه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، Soogand.banoo@chmail.ir.

^۲. سطح ۳، حوزه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).

مقدمه

آزادی، یکی از حقوق طبیعی و اساسی هر انسانی است و این حق را خدا حکیم به او بخشیده است و کسی حق محدود کردن و یا سلب آن را ندارد. همچنین آزادی یکی از صفت های بشر است و با هستی یافتن و موجود شدن بشر، این حق برای او محقق می شود و همان گونه که اصل وجود بشر متناهی و محدود است، این حق نیز در او محدود است. آزادی در هیچ انسانی مطلق و نا متناهی نیست و دارای حد و دامنه مشخصی است. یکی از مصادیق آزادی انسان ها، آزادی عقیده و انتخاب دین است که مسأله ای فردی و درونی است و اگر اثرات این انتخاب در اعمال و رفتارشان نمایان شود، دیگر تنها جنبه فردی ندارد و بعد اجتماعی پیدا می کند. در این مقاله سعی بر آن است که به این مسأله پرداخته شود که آزادی در انتخاب دین چه مفهومی دارد و مقصود از انتخاب آزاد دین چیست؟ این موضوع از دیدگاه عارف و مفسر بزرگ قرآن کریم، آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) بررسی خواهد شد، که ایشان در عصر کنونی، از جایگاه ویژه ای در جامعه برخوردار هستند. در رابطه با این موضوع، کتاب مستقلی نوشته نشده و تنها در بخش هایی از چند کتاب که توسط خود علامه جوادی آملی (دامت برکاته) به رشته تحریر در آمده است از جمله، کتاب تفسیر تسنیم، ولایت فقیه و دین شناسی مطالبی در باب این موضوع آمده است. مقالاتی هم که در این زمینه نوشته شده از جمله آن ها، آزادی انتخاب دین از دیدگاه اسلام، نوشته محمد حسن فصیحی؛ نگاهی به نظریه آزادی انتخاب دین، علی کریم پور قرا ملکی؛ نگاهی به نظریه آزادی انتخاب دین، مصطفی محمد بختیاری؛ باورهای دینی و آزادی در انتخاب دین، یعقوب جعفری و آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه «لا اکراه فی الدین» نوشته سید حسین حسینی کارنامی هستند اما در هیچ کدام نظرات گرانقدر علامه جوادی آملی (دامت برکاته) نیامده است. ضرورت بحث آزادی در انتخاب دین، از آنجایی نمایان می شود که هیچ فردی را نمی توان به اجبار، بر عقیده ای وادار کرد یا عقیده و رأیی را از دل کسی بیرون کشید. هدف از نوشتن این مقاله این است که مسأله آزادی در انتخاب دین بررسی گردد و حد و حدود این آزادی مشخص گردد، تا برای افراد جامعه مشخص و معلوم شود که در انتخاب و ابراز دین خود تا چه حد آزادی دارند.

۱. آزادی عقیده

با توجه به مطالعاتی که در کتب فرهنگ و لغت انجام گرفته است، واژه آزادی در لغت به معانی، حامص، عتق، حریت، و اختیار و بر خلاف بندگی، رقیت، عبودیت و اسارت و اجبار به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۲؛ حسینی دشتی، ۱۳۷۹، صص ۷۵ و ۷۴) علاوه بر آن، معنای قدرت عمل و قدرت ترک عمل و قدرت انتخاب و رهایی و خلاصی نیز برای این واژه به کار رفته است.

معنای اصطلاحی این واژه را نیز این گونه تعبیر می کنند که «هر فرد حق انتخاب حکومت قانونی و نماینده و دولت را دارد و هم چنین نبودن حاکم مستبد در رأس حکومت و شرکت افراد در انتخاب حکومت و نمایندگان» (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

در جایی دیگر معنای اصطلاحی آزادی این گونه آمده است: «برون شدن از قید بندگی کائنات (جز خدا) و بریدن رشته های تعلقات و اغیار که برای آن مراتبی باشد. آزادی عام که آزادی از قید شهوات است؛ آزادی خاص و آن آزادی از قید خواسته هاست، حتی آنان که خواسته خویش را در خواسته خدای سبحان فانی ساختند. آزادی خاص الخاص که آزادی از رقیت آداب و رسوم است». (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، صص ۷۵ و ۷۴)

با توجه به روشن شدن معنای این واژه، می توان گفت، آزادی از مقدس ترین و مسلم ترین حقوق بشر است. خداوند انسان را آزاد و رها از هر گونه قید و بندی، خلق کرده است و به هیچ کس اجازه محدود کردن این حق را نمی دهد. همان گونه که امام علی (علیه السلام) سرور آزادگان جهان، فرمودند: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه / نامه ۳۱)؛ بنده دیگری مباش، خداوندتورا آزاد قرار داده است. تنها عاملی که می تواند آزادی بشر را محدود کند، هستی بخش او است یعنی خدایی که وجود محدود را به انسان بخشیده است، این حق را هم دارد که حدود آزادی او را تعیین کند و بقیه بشر نباید هیچ دخالتی در این حق داشته باشند؛ زیرا تنها خدای سبحان است که از حیطة هستی انسان، آگاهی دارد و به آنچه که برای او خیر و یا شر است، علم دارد.

بنابراین تنها مرجعی که صلاحیت تحدید آزادی بشر را دارد، همان خدایی است که به او هستی بخشیده و برای هر چیزی اندازه خاص و معینی را قرار داده و در قرآن کریم نیز بر آن تأکید کرده است: «إِنَّا

كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/۴۹)؛ به قطع ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۰)

آزادی در عقیده و حق انتخاب، یک نوع آزادی است که همواره مورد تأکید در آیات و روایات قرار گرفته است. آزادی عقیده، یعنی انتخاب راه و روش، دین و ایمان که بعد از فکر و اندیشه صورت می گیرد. بر اساس این نوع از آزادی انسان از روی اختیار خود و به طور کاملاً آزاد، می اندیشد و بعد راه خود را انتخاب می کند. (محبی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰) آزادی عقیده در چهار مورد خلاصه می شود:

(۱) آزادی در داشتن عقیده

(۲) آزادی در بیان عقیده

(۳) آزادی از تفتیش عقیده

(۴) آزادی از تحمیل عقیده. (قاضی زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

در شریعت اسلام، از دو راه پایه های آزادی عقیده در جامعه استوار می شود: یکی از راه وادار کردن مردم به احترام گذاشتن به حقوق دیگران در انتخاب یا رد آن چه که خود می خواهند یعنی این که هیچ کس اجازه ندارد، کسی را به زور وادار به تغییر عقایدش کند یا به سبب عقیده ای او را مورد آزار و اذیت قرار دهد. دیگر این که، فرد معتقد و دارای عقیده را نیز وادار می کند تا پشتیبان عقیده خود باشد و از آن دفاع کند و در صورتی که در جایی است که نمی تواند با آن عقیده ای که دارد، زندگی کند، می تواند از وطن خود به جای دیگری مهاجرت کند و در این امر هیچ تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست. (ناصری مقدم، الزحیلی، ۱۳۸۴)

یکی از شاخه های آزادی عقیده، آزادی در انتخاب دین است. هر کس طبق عقل و قوه تفکر خود و اختیار و آزادی که خدای سبحان به او بخشیده است، در انتخاب دین خود آزاد است و هیچ کس نمی تواند او را مجبور به انتخاب دین خاصی کند. از آن جایی که عقیده امری قلبی است و از درون انسان سرچشمه می گیرد و بدون معرفت و شناخت بدست نمی آید و از طرفی نیز با از بین رفتن معرفت، آن نیز نابود می شود و از بین می رود؛ بنابراین هیچ گاه به وسیله اموری که خارج از نفس انسان است، از بین نخواهد رفت؛ زیرا اعتقاد و ندای قلب و روح کسی را نمی توان به اجبار و زور خاموش کرد. بنابر مطالب گفته شده، عقیده آزاد است و اجبار کردن افراد امری لغو و بیهوده است و در حدود شریعت و اسلام چیزی با عنوان اکراه و اجبار

اصلاً قرار داده نشده است، هر چند هر مکلفی این وظیفه را بر دوش دارد که دین الهی را بشناسد، بفهمد و بپذیرد و به آن عمل کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۷۷)

۲. انتخاب دین

دین مجموعه ای از اعتقادات خاص است و هرگز قابل تحمیل به کسی نیست. اگر کسی اصل و مبنای دین و دین داری را نفهمد و نشناسد، دین در جسم و جان او وارد نمی شود؛ (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۳) بنابر همین صحبت است که خدای متعال در آیه ای نورانی از قرآن می فرماید: «لا اکراه فی الدین» (بقره/۲۵۶)؛ دین را نباید با اکراه و اجبار به مردم تحمیل کرد. خدای سبحان، انسان را به گونه ای خلق کرده است که تنها با «برهان و دلیل» قانع می شود و بدون آن چیزی در روح و جانش نمی نشیند و از این روی می فرماید: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» (یونس/۳۶)؛ گمان، به هیچ وجه آدمی را از حقیقت بی نیاز نمی گرداند. این آیه حکم ارشادی را بیان می کند که: «سخن مظنون نگویید؛ زیرا اثری در دل دیگران ندارد».

عقیده، امری علمی است و تا زمانی که مقدمات و مبانی آن در نفس انسان پیدا نشود، خود آن نیز محقق نمی شود و به هیچ وجه قابل تحمیل نیست. همان گونه که اشاره شد، به دلیل این که افکار انسان، با تکیه بر برهان و دلیل شکل می گیرد، از این روی نه تنها دیگران بلکه خود انسان نیز نمی تواند عقیده ای را بر خود تحمیل کند. برای این که عقیده ای در جان ریشه کند، باید دو گره ایجاد شود؛ یکی میان موضوع آن عقیده با محمولش و دیگری میان محمول موضوع و محمول با نفس انسان که گره و عقد بین موضوع و محمول «قضیه» نام می گیرد و گره بین قضیه و نفس، «اعتقاد». البته می شود که این گره ها نباشد و انسان همچون زمان کودکی خود، با خیالات و توهمات خود، زندگی کند و هیچ دلیلی بر آن ها نداشته باشد.

این حالت برای انسانی که می خواهد به کمال برسد، هیچ دستاوردی نخواهد داشت. انسان تنها زمانی به کمال می رسد که با اختیار و عقل خود، حق را بپذیرد. اجبار، سبب می شود تا اختیار انسان گرفته شود؛ به همین دلیل خدای متعال درباره اندیشه و عقیده، آزادی را محور و اصل قرار می دهند و اکراه و اجبار در دین را جایز نمی دانند و از انبیاء می خواهد که تنها مردم را هدایت کنند و دین را به آن ها عرضه دارند. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۴)

۳. عدم منافات امر به معروف و نهی از منکر با آزادی

با توجه به آن چه که درباره حق آزادی فرد مطرح شد، برخی این اشکال را مطرح کردند که امر به معروف و نهی از منکر، در تعارض و منافات با آزادی است. در این زمینه به نظر علامه بزرگوار جوادی آملی (دامت برکاته) می‌پردازیم؛ ایشان در این رابطه نظرشان این گونه است که «امر به معروف و نهی از منکر» ناظر به پیدایش عقیده حق یا زدودن اعتقاد باطل نیست؛ زیرا امر قلبی و نفسانی با امر، نمی‌آید و با نهی نمی‌رود و با هیچ چیز قابل تحدید نیست. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، نه آزادی عقیده را نفی می‌کند و نه اثبات؛ اما در مورد اعمال دیگران، در صورتی که آشکار و علنی باشد و سبب حرمت شکنی شود، نه تنها امر به معروف و نهی از منکر، آزاد، بلکه واجب است؛ زیرا در صورتی که در چنین فضایی این امر مهم اجرا نشود، آزادی دیگران تحدید شده و عدالت بر پا نمی‌شود. عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای مشخص و مناسب خود که آن جایگاه را خدای حکیم تعیین کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۸۳)

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، هم با آزادی بیان آمر و ناهی هماهنگی دارد و هم نفی کننده آزادی مأمور و منهی نیست و کسی که در یک نظام حکومتی زندگی می‌کند، باید به قوانین آن نظام نیز پایبند باشد و همه افراد بشر نسبت به قوانین نظام، نظارت متقابل داشته باشند؛ پس هیچ گاه امر و نهی، با آزادی منافات ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۸۴)

۴. مسأله ارتداد با آزادی

طبق آن چه تا کنون گفته شد، انتخاب دین آزاد است و کسی نمی‌تواند دیگری را مجبور به انتخاب دین کند؛ حال این مسأله پیش می‌آید که اگر انتخاب دین آزاد است؛ پس چرا در اسلام، حکم ارتداد مطرح می‌شود و برای کسی که از دین اسلام به دین دیگری روی آورده، حکم و حد معین می‌شود. در پاسخ به این شبهه، به بیانات آیه الله جوادی آملی (دامت برکاته) استناد می‌کنیم که فرمودند: از آن جایی که حق و باطل کاملاً جدای از هم هستند و اصل توحید و شرک مشخص است؛ بنابراین اگر کسی اسلام را بفهمد، آن را می‌پذیرد و اگر کسی بعد از آن که مسلمان شد و به اسلام گروید، از آن برگردد و مرتد شود؛ چند حالت پیش می‌آید: اول آن که ارتداد خود را ظاهر نمی‌کند و کسی از ارتداد او خبر دار نمی‌شود؛ در این صورت تنها عذاب او منتهی به قیامت می‌شود و حکمی در حق او اجرا نمی‌شود.

دوم آن که دیگران از ارتداد فرد خبردار می‌شوند و مشخص گردید که ارتداد آن شخص، بر اساس تحقیق و تفحص بوده و راه اشتباه رفته‌است که در حق این شخص نیز حکم شرعی اجرا نمی‌شود. سومین حالت این است که ارتداد شخص از روی تحقیق و به اشتباه افتادن نیست؛ بلکه از روی شهوت عملی است که در این صورت اگر ارتداد او فطری باشد، حد مشخص دارد و معنای آزادی به اصل عدالت محدود می‌شود و تنها مرجعی که حدود عدالت را تعیین می‌کند، خدای متعال و عادل است نه هیچ کس دیگری. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵)

این مطلب مشخص می‌کند که فردی که از انتخاب دین اسلام رویگردان شود و به دین دیگری روی آورد در صورتی مستحق حدود الهی می‌شود که قصد بر هم زدن نظم و عدالت اجتماعی را داشته باشد و از روی عناد و دشمنی دست به اقداماتی بزند که سبب آسیب رسیدن به نظام مقدس اسلام شود. با توجه به آن چه که گفته شد؛ باید عنایت داشت که هر چند خدای متعال تکویناً انسان را آزاد آفریده و او را مجبور به پذیرش هیچ دینی نکرده است اما از نظر شرعی و تشریعاً وظیفه دارد دین حقی که خواست فطرت پاک و الهی اوست بپذیرد و راه کمال و سعادت را از گمراهی و ضلالت تشخیص داده تا بتواند از هدایت الهی بهره مند گردد. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۱)

خدای متعال با سخنان متعددی در قرآن از انسان ها می‌خواهد که بهترین سخن و راه را برگزینند و خود خدای سبحان راه و دین بهتر و برتر را به انسان ها معرفی می‌کند و آن ها را به آن راه هدایت می‌کند. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹)؛ همانا دین نزد خدا، اسلام است. یعنی خدای سبحان به طور صریح و روشن راه را به انسان نشان می‌دهد و او را به این راه فرار می‌خواند و از او می‌خواهد که بر اساس گرایش فطری خود، به سمت آن راه بشتابد. اما با وجود همه این ها انسان آزاد است که چه راهی را انتخاب کند و این انتخاب او، مشخص می‌کند که آن فرد به سعادت می‌رسد یا به آتش و دوزخ. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۶، ص ۳۳)

۵. دین حق و دین باطل

از آن جایی که مجموعه عقاید و اخلاق و احکام یا حق است یا باطل و یا مخلوطی از هر دو؛ پس آن چه از این موارد که حق باشد، دین حق نام می‌گیرد و غیر از آن را دین باطل گویند و گاهی نیز دین

ممزوج از حق و باطل می‌شود که این نیز باطل است. قرآن کریم آن چه که پیامبران برای انسان ها آورده‌اند، را دین حق می‌داند؛ زیرا آن قواعد و مقررات مطابق با واقع و حقیقت است و محصول خدای سبحان. خدای متعال در آیه ای به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران/۶۰)؛ حق از پروردگار تو سرچشمه می‌گیرد.

اسلام دینی حق است که اگر بشر جز آن را انتخاب کند، مقبول خدای سبحان نیست. (جوادی آملی، دین شناسی، ۱۳۹۶، ص ۲۹) «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/۸۵)؛ و هر کس که جز اسلام، دینی، دیگر جوید، هرگز از وی چیزی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیان کاران است. پس اسلام کامل ترین دین است که توسط پیامبر خاتم، برای بشر آورده شده است و افراد باید به آن ایمان آورده و با قدرت آزادی و اختیار خود آن را انتخاب کنند تا به رستگاری و سعادت برسند.

نتیجه گیری

آزادی مقوله ای بسیار مهم و اساسی است که همواره بشر به دنبال آن بوده است. آزادی عقیده نیز از موارد قلبی و درونی است که تا زمانی که فرد در اعمال و ظاهر خود آن را نشان ندهد، کسی متوجه آن نخواهد شد. انسان در هر جایگاه و شرایطی که باید این حق را دارد که عقیده و اعتقاد خود را آزادانه و بدون اجبار بر گیرند؛ از جمله آزادی های فرد، حق انتخاب دین است و کسی که می خواهد دینی را برای خود انتخاب کند، باید با توجه به قدرت تعقل و تفکر خویش، این کار را انجام دهد و کسی حق ندارد که او را بر انتخاب دین خاصی مجبور سازد و یا از انتخاب یک دین باز دارد. در مسلک اسلام، این گونه است که فرد از زمانی که تحت لوای مقدس اسلام قرار می گیرد، حق بازگشت از آن را ندارد؛ البته این مطلب نمی تواند او را از اعتقاد قلبی اش باز دارد و تنها زمانی حکومت می تواند وی را به خاطر روی برگردان از دین اسلام مجازات کند که بر علیه نظام اسلامی اقدام کند و قصد تضعیف و اهانت به مقدسات دین اسلام را داشته باشد. اما در صورتی که فرد تنها از نظر اعتقاد قلبی و باطنی از اسلام بیزار می جوید و مرتد شود؛ دستگاه های حکومتی حق ندارند که بر روی حکمی جاری سازند و این چنین فردی، تنها عقوبتش در آخرت و روز قیامت خواهد بود. خلاصه بحث این که انتخاب دین آزاد است و در شریعت اسلام نیز این گونه است که فرد با آزادی و اختیار خویش دینش را انتخاب می کند و به قوانین و قواعد آن پایبند است و حتی زمانی که مرتد شود تا هنگامی که اقدامی بر علیه دین و نظام اسلام نکند، حکومت، حق هیچ گونه برخوردی را با او ندارد و شخص آزاد و رها در جامعه زندگی می کند و به هر دینی که اختیار کرده است، باقی می ماند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

منابع فارسی

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ ه.ش). *تفسیر تسنیم*، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
۲. _____، (۱۳۹۶ ه.ش)، *دین شناسی*، چاپ نهم، قم: نشر اسراء.
۳. _____، (۱۳۹۵ ه.ش)، *فلسفه حقوق بشر*، چاپ نهم، قم: نشر الاسراء.
۴. _____، (۱۳۹۶ ه.ش)، *ولایت فقیه*، چاپ هجدهم، قم: نشر اسراء.
۵. حسینی دشتی، سیدمصطفی، (۱۳۷۹ ه.ش)، *معارف و معارف (دایرةالمعارف جامع اسلامی)*، چاپ سوم، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰ ه.ش)، *فرهنگ دهخدا*، چاپ دوم، زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

منابع عربی

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸ ه.ش)، *تفسیر المیزان*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

مقالات

۱. حسینی کارنامی، سید حسین، (زمستان ۱۳۹۳ ه.ش)، *آزادی عقیده و آزادی بیان با تکیه بر واکاوی تفسیری آیه (لا اکراه فی الدین)*، پژوهش نامه معارف قرآنی، شماره ۱۹.
۲. فصیحی، محمد حسن، (تابستان ۱۳۹۰)، *آزادی در انتخاب دین از دیدگاه اسلام*، نورمگز، شماره ۳۵.
۳. قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۳ ه.ش)، *حکومت نامه امام علی (علیه السلام)*، معارف.
۴. محبی، علی، (۱۳۸۵ ه.ش)، *آزادی از نظر اسلام و غرب*، مجله الهیات و حقوق اسلامی، شماره ۳.
۵. ناصری مقدم، حسین، الزحیلی، وهبه، (۱۳۸۴ ه.ش)، *آزادی اندیشه و گفتار از منظر ادیان و فرهنگ - ها*، حوزه، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹.